

چالش‌ها و موانع پرداخت مواجب قشون و تأثیر آن بر امنیت ولایت کرمانشاهان در

دوره قاجار

مطلب مطلبی¹، محمدجواد مرادی نیا²

تاریخ دریافت: 1396/12/23
تاریخ پذیرش: 1397/02/11

از صفحه 1 تا 18

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی
سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار 1397

چکیده

از دوره صفویه کرمانشاهان یکی از نواحی سرحدی ایران شمرده می‌شد و از آنجاکه در مرز با عثمانی قرار داشت، به لحاظ امنیتی و اقتصادی برای دولت مرکزی از اهمیت زیادی برخوردار بود. ارکان دولت مرکزی تلاش داشتند اقداماتی را انجام دهند که همواره انتظام کرمانشاهان حفظ شود. بازیگران و نقش‌آفرینان اصلی این ولایت، با فراز و فرودهایی تا قبل از شکل‌گیری دولت مدرن، ایلات و عشایر بودند. نیروی نظامی این ولایت نیز منحصراً وابسته به ایلات بود و کارآمدی این نیرو تلاش مضاعفی را می‌طلبید. یکی از عوامل اصلی کارآمدی و انتظام قشون و نیروی نظامی در ادوار تاریخی، پرداخت به‌موقع و منظم مواجب آن‌ها بود. از آنجاکه بخش زیادی از سپاهیان ایران از ایلات و عشایر بودند، در شرایط ثبات، تأخیر در پرداخت مواجب چندان چالشی برای حکومت مرکزی و ایلاتی ایجاد نمی‌کرد، زیرا روسای فوج‌های نظامی همان روسای ایلات و طوایف بودند و ساختار اجتماعی ایلات اجازه اعتراض را به آن‌ها نمی‌داد، اما در دوره‌های بی‌ثباتی و شرایط ناپایدار سیاسی این موضوع به کلی صورت دیگری می‌یافت و تنها پرداخت منظم و به‌موقع مواجب، نیروهای نظامی را در دایره اطاعت نگه می‌داشت؛ بنابراین، مسئله این پژوهش چالش‌های پرداخت مواجب قشون کرمانشاهان و پیامدهای برآمده از آن است.

روش پژوهش، تاریخی - تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و درنهایت بر پایه یافته‌های حاصل از منابع و اسناد، استنتاج و تبیین شده است.

نتایج حاصل از پژوهش، بیانگر آن است که اصول و قواعد منظم و یکسانی در پرداخت مواجب قشون وجود نداشت و نیز تفاوت معناداری بین مواجب افراد قشون و فرماندهان دیده می‌شد. باوجوداین از آنجاکه فرماندهان همان حاکمان ایل بودند تعلیق و تأخیر و نپرداختن کامل مواجب در دوران ثبات اجازه اعتراض به افراد قشون نمی‌داد، اما این امر در شرایط ناپایدار سیاسی به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌داد.

کلید واژه‌ها

کرمانشاهان، قشون، مواجب، ایلات، امنیت.

1- دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام - استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران m.motalebi59@gmail.com

2- دکتری تاریخ ایران - کارشناس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (نویسنده مسئول). ketabziba@yahoo.com

مقدمه

کرمانشاهان همواره یکی از نواحی مهم سرحد غربی ایران بوده است. موقعیت جغرافیایی آن از شمال به کردستان اردلان، از شرق به همدان، از جنوب شرقی به لرستان، از جنوب به خوزستان و از غرب به عثمانی محدود بود که از زمان صفویه تا اواخر دوره قاجار تقریباً در منابع به صورت یکسان ذکر شده است (روزنامه فرهنگ، 30 ذی القعدة سال 1302، سال هفتم، شماره 324: 2). این ولایت تا دهه دوم قرن سیزدهم هجری، همچون سایر والی نشینان و حاکم نشینان حوزه غربی ایران تحت الشعاع والیان اردلان قرار داشت (سندجی، 170: 1366). این وضعیت با انتصاب محمدعلی میرزا به حکومت کرمانشاهان و سرحداری عراق از دهه دوم سده سیزدهم / نوزدهم صورت دیگری یافت. قرارگرفتن بخش زیادی از حوزه غربی و جنوب غربی ایران تحت قلمرو شاهزاده قاجار، کرمانشاهان را به عنوان مرکز نیروی سیاسی - نظامی غرب ایران درآورد. در طول این دوره یکی از دغدغه‌های مهم حکمرانان کرمانشاهان برقراری امنیت و حفظ آن بود، چرا که شکنندگی و ناپایداری امنیت عمومی نقش مستقیمی در مدت زمان حاکمیت آن‌ها داشت. امنیت جز با قوای نظامی تأمین نمی‌شد و برای این کار نیز تأمین مالی قوای نظامی و پرداخت به موقع مواجب آن‌ها شرط لازم بود. به دلیل ساختار قشون کرمانشاهان در این برهه، پرداخت مواجب چالش‌های زیادی داشت. برای این منظور تدابیری برای تأمین مالی قشون اندیشیده شد. هدف اصلی در این مقاله، بررسی و تبیین میزان موفقیت این تدابیر و چالش‌های فراروی آن در دوره موردنظر است.

سؤال اصلی پژوهش

- چالش‌ها و موانع پرداخت مواجب قشون کرمانشاهان در دوره قاجاریه چه بود؟
- در همین زمینه به سؤال‌های فرعی دیگری هم پرداخته شده است که عبارت‌اند از:
- تشکیلات دیوانی چه ضعف‌هایی در پرداخت مواجب قشون داشت؟
- عوامل رده بالای قشون چه نقشی در پرداخت مواجب افراد تحت امر داشتند؟

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد ساختار ایلی و عشیره‌ای قشون کرمانشاهان در دوره مورد مطالعه و تسلطی که فرماندهان - که سرکردگان ایلی نیز بودند - بر افراد تحت امر داشتند از عوامل اصلی پرداخت نامنظم و نایکسان موجاب قشون بود.

- از آنجاکه موجاب قشون مستقیماً به سربازها داده نمی‌شد و آن‌ها موجاب را از فرماندهان خویش دریافت می‌کردند، همیشه دریافتی‌شان بسیار کمتر از میزان واقعی بود.

- فرماندهان قشون کرمانشاهان در درجه اول با ساختار ایلی بر افراد تحت امر تسلط داشتند و زمانی که تسلط نظامی هم به آن اضافه می‌شد موجاب را به نحو دلخواه مصرف می‌کردند، در چنین احوالی به‌ندرت به افراد عادی قشون موجابی می‌رسید.

پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق یا قلمرو موضوعی نزدیک به آن اگرچه در برخی منابع تاریخی نظیر مجموعه کتاب ایلات و طوایف کرمانشاهان محمدعلی سلطانی یا یادداشت‌ها و خاطرات سردار مقتدر سنجابی مطالبی نگاشته شده است، لیکن به طور مستقل پژوهشی منسجم با این عنوان انجام نشده است. در دیگر آثار هم به‌صورت گذرا و محدود در این زمینه مطالبی بیان شده است. در مورد پرداخت موجاب قشون و چالش‌های آن، کمتر سخن رفته و یا دارای ادعاهای گسترده، بدون توجه به تفاوت ساختارهای ایلات و قبایل مختلف بوده است. مقاله حاضر پژوهشی مستقل و تحلیلی است. در این پژوهش، ابتدا به شکل‌های پرداخت موجاب در ایران پرداخته خواهد شد و در ادامه چالش‌ها و موانع موجاب قشون کرمانشاهان در دوره مورد مطالعه بررسی می‌شود.

نگاهی به تشکیلات دیوانی و اشکال پرداخت موجاب

در یکی دو دهه نخست پادشاهی فتحعلی‌شاه، تشکیلات دیوان‌سالاری بر چهار رکن استوار بود. در صدر این تشکیلات، وزیر اعظم یا صدراعظم جای داشت. سه رکن دیگر عبارت بودند از: وزیر استیفای ممالک، وزیر دارالانشاء و وزیر عسکر. در سال 1221 ق

میرزا هدایت‌الله تفرشی قمی، ریاست وزارت عسکر را به عهده داشت. عمده وظایف وزیر عسکر در این برهه، مباشرت «امور لشگر و رسانیدن موجب و علوفه سپاه مظفر و خواندن افراد سان در حضور خسرو گردون توان و تغییر و تبدیل غایب و متوفی» بود (خاوری شیرازی، 1380: 243). حساب جمع و خرج مملکت با مستوفیان بود و مسئولیت هر ولایت بر عهده یک مستوفی بود. در رأس همه مستوفیان، مستوفی‌الممالک قرار داشت. در ارتباط با قشون نیز مستوفیان نقش مهمی بر عهده داشتند «هر چه به اجرای قشون و مصرف لشگری می‌رسید یا مصارف متفرقه، باید جمعاً و خرجاً به مهر و اطلاع این طبقه» می‌رسید (نظام‌السلطنه مافی، 1361: 318). در دوره محمدشاه و فتحعلی‌شاه فقط قشون منظم موجب و جیره غذایی داشتند و میزان آن بسته به درجه، سوابق، خدمات، انتساب خانوادگی و ایلی به شاه متفاوت بود. جیره هر سرباز در اواسط قرن سیزدهم دوازده تومان بود. از این مبلغ بیش از پنج یا شش تومان به دست سربازان نمی‌رسید، چه موجب آن‌ها از دست چند نفر گذشته و هر یک به فراخور حال، مقداری از آن برمی‌داشت و همان مقدار کم نیز در بیشتر مواقع عقب می‌افتاد (ورنتن، 1374: 45). در دوره‌های بعد هم این وضعیت ادامه یافت، به طوری که اولین عامل بی‌نظمی قشون در فرمان سال 1271 ق ناصرالدین‌شاه، موجب و نحوه پرداخت آن بود. در این فرمان دستور داد: «موجب قشون را کلاً از نظام و غیرنظام و توپخانه و سواره و پیاده رسیدگی کند و به‌دقت برساند که سرکرده و صاحب‌منصب و این‌وآن حیفاومیل نکنند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه 26 جمادی‌الثانی 1271، شماره 215: 2)؛ اما این تمهیدات در طول دوره قاجاریه به نتیجه مطلوبی نینجامید. جدای از این مسائل، هر یک از ایالات و فوج‌ها با توجه به شرایط بومی و محلی با مشکلات عدیده دیگری در زمینه پرداخت موجب دست به گریبان بودند.

پرداخت حقوق و موجب سربازها و نظامیان کرمانشاهان به‌صورت فردی و مجزا نبود، بلکه مجموع موجب سربازهای یک ایلی به رئیس و صاحب‌منصب همان ایلی تحویل داده می‌شد و او بود که موجب را در بین سربازها تقسیم می‌کرد. طبیعی بود با چنین سازوکاری، تبعیض‌ها و اجحافات روی می‌داد. در طی این دوره بارها سعی شد که اصلاحاتی در نحوه پرداخت موجب قشون انجام پذیرد. در سال 1291 ق تلاش شد موجب قشون را بعد از آن به صاحب‌منصبان ایلی ندهند، بلکه سهم هر سرباز را مستقیماً به خود وی تحویل دهند. هدف شاه از اجرای این تصمیم «اطمینان از رسیدن

موجب به نوکر» بود. عمادالدوله، حاکم کرمانشاهان، در گزارش ارسالی به ناصرالدین‌شاه با پرداخت مستقیم موجب به سربازها مخالفت کرده است و تداوم سیستم قبلی را خواستار شده است. وی در بیان دلایل خویش چنین نوشته است: «از ابتدای نوکری این طوایف تا حال، موافق حکم صریح دیوان معمول این بوده است که موجب محلی آن‌ها در دست همان صاحبان طوایف بود... یک‌دفعه نمی‌توان قواعد و رسوم پنجاه‌ساله را تغییر داد. دور نیست بعضی جهالت‌ها و هرزگی‌ها هم از آن‌ها صادر شود که لابد و ناچار نتوان اغماض کرد و خدای نخواستہ اسباب زحمتی فراهم بیاید. علاوه بر این، عرض این بنده درگاه از روی صداقت این است که این نوکر و عشایر کرمانشاه و لرستان چنان نیست که از برای این قلیل موجب قبول نوکری را کرده باشند، اگر به اختیار آن‌ها باشد، با مضاعف این موجب هم قبول نوکری نخواهند کرد. پاداری و نظم نوکری آن‌ها بسته به تسلط صاحب طایفه است. اگر صاحب طایفه مسلط و مقتدر باشد، نوکر دیوان هم پادار و منظم است والا به موجب سه تومان و چهار تومان هیچ یک از این نوکر دل‌بستگی به نوکری ندارند و صاحبان طوایف طوری مسلط هستند که اگر موجب را هم‌دستی از صندوقخانه نظام در محضر لشکرنویسان بدهند می‌توانند دوباره از آن‌ها پس بگیرند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره 48 بیوتات، در باب قشون، گزارش به ناصرالدین‌شاه، مورخ 28 رمضان 1291). درواقع چنین هم بود؛ بنابراین، این تلاش هم به‌جایی نرسید. جدای از این امر به نظر می‌رسد محل و نحوه پرداخت مواجب قشون کرمانشاهان با سایر نواحی ایران تفاوت‌هایی داشته است. موجب قشون کرمانشاهان هر سه ماه یک‌بار پرداخت می‌شد. این موجب را صاحب‌منصب با اطلاع حکومت و در محل پرداخت می‌کرد. دیگر این‌که «همه افواج و سواره این ولایت، محل شش‌ماهه در دست خودشان» بود و «غالباً همان شخص نوکر از مالیات ملزمی خود اخذ موجب شش‌ماهه» می‌کرد و «مانند نوکر و قشون عراق و آذربایجان نیست که محل سه‌ماهه آن‌ها غالباً از جای دیگر یا شخص دیگر دریافت شود و قبض به سرباز داده شود» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره 23 بیوتات، گزارش عمادالدوله 1291: 12).

به نظر می‌رسد تفاوت محل موجب قشون کرمانشاهان با مناطقی همچون عراق و آذربایجان ناشی از آن بود که قشون و فوج‌های کرمانشاهان خاستگاه ایلی داشتند

درحالی که قشون نقاطی مانند عراق و آذربایجان بیشتر از مناطق شهری بودند. با توجه به این که بخشی از منابع عمده دولت از مالیات ایل‌ها تأمین می‌شد، رئیس ایل بخشی از مالیات مقرر را به‌عنوان مواجب فوج و نیروهای نظامی ایل نگه می‌داشت و پرداخت نمی‌کرد. از آنجاکه ایل‌ها تلاش داشتند تا حد ممکن از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند در بیشتر مواقع وصول مالیات آن‌ها به تأخیر می‌افتاد. این تأخیر در مواقع بحرانی ممکن بود به بیش از ده سال هم برسد. طبیعی است در چنین مواقعی مواجب قشون کرمانشاهان نیز با اشکال مواجه می‌شد.

باوجود این، وضع فوج‌های کرمانشاهان نسبت به نظامیانی که از دیگر ولایات مأمور کرمانشاهان می‌شدند مساعدتر بود؛ زیرا نظامیان وابسته به ایلات بخش زیادی از مواجب خود را از مالیات پرداختی ایل برمی‌داشتند. در مقابل فوج‌ها و نظامیانی که به این ولایت مأمور می‌شدند از چنین موقعیتی بهره‌مند نبودند و نرسیدن مرتب و منظم مواجب آن‌ها را در شرایط نامساعدتری قرار می‌داد. در سال 1290 ق و 1291 ق که سواره قزوین مأمور کرمانشاهان شده بود به دلیل نرسیدن منظم مواجب در وضعیت نامطلوب قرار گرفتند، تا جایی که «کار آن‌ها به گدایی و اسب و اسلحه فروختن رسیده بود» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره 48 بیوتات، گزارش به ناصرالدین‌شاه، مورخ 27 جمادی‌الاول 1291).

پرداخت حقوق کسانی که به جاهای دیگر مأمور می‌شدند بدین‌صورت بود که «از جانب وزارت جنگ از روز حرکت پرداخت می‌شد ولیکن خرج سفر به آن‌ها داده نمی‌شد» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 - 544، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه، 3 جدی 1336). این امر مشکلات عدیده‌ای را به وجود می‌آورد. در چنین مواقعی اردو به فکر تهیه سیورسات از قبل نبود و یا این که از مرکز هیچ‌گونه پیشتیبانی مخصوصی برای تدارک سیورسات آن‌ها به عمل نمی‌آمد. برای جبران این نقیصه لشکریان مأمور، به دنبال تهیه سیورسات از آبادی‌ها و شهرهای مسیر راه بودند و درواقع از این طریق سیورسات اردو را تأمین می‌کردند. در چنین مواقعی مردم نواحی سر راه تلاش می‌کردند از رویارویی با لشکریان بیرهیزند. این موضوع نقش زیادی در متروکه شدن روستاها داشت (گاردان، 1362: 138). بدیهی است در چنین مواقعی اجحاف زیادی از جانب مأمورین نسبت به مردم عرض راه روی می‌داد و همیشه

میزان دریافتی آن بیش از نیاز واقعی مأمورین بود. تا سال 1270 قی نشان‌های از تلاش دولتمردان برای رفع این وضع دیده نمی‌شود. در این سال ناصرالدین‌شاه در راستای تلاش برای اصلاح وضع قشون به حکام ولایات دستور داد: «منازل عرض راه را حساب کرده، قیمت سیورسات قشون مأموره را بسنجند و وجه نقد از بابت مالیات آن ولایت بدهند که دیگر در منازل عرض راه در هیچ جا سیورسات مطالبه ننمایند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه هشتم رجب، شماره ۱۲۷۰، ۱۶۶: 1). با استناد به این گزارش روشن می‌شود که هدف اصلاح‌گران، حذف کامل سیورسات نبود، بلکه تلاش می‌شد این عمل را تحت ضابطه مشخصی درآورده و از زیاده‌خواهی مأمورین کاسته شود. تلاش‌هایی که عملاً به جایی نرسید.

مشکلات پرداخت موجبات

پرداخت موجبات قشون از لحاظ مبلغ و زمان پرداخت وضعیت ثابتی نداشت. ممکن بود دریافتی افراد قشون در سال جدید نسبت به سال قبل از آن کمتر هم باشد. تأخیر در پرداخت موجبات قشون یکی از موارد رایج عصر قاجار بود. افراد قشونی از سوار و سرباز برای دریافت به موقع موجبات و درواقع برای اعتراض به تأخیر پرداخت آن و یا کسر موجبات به اقدامات مختلفی متوسل می‌شدند. در ولایات این اقدام، حضور در اداره مالیه بود. چرا که این اداره را مسئول تأخیر و کسر موجبات خویش می‌دانستند که نمونه آن بارها در کرمانشاهان روی داد؛ اما درواقع اداره‌های مالیه محل هیچ‌گونه اجازه و اختیار مستقلی در این زمینه نداشتند و آن‌ها فقط مجری دستورهای اداره کل خزانه‌داری و وزارت مالیه بودند. نقش و وظیفه اداره مالیه در ارتباط با این جنبه از امور قشون آن بود که: «نماینده اداره مالیه در اداره قشون حضور به هم رسانیده و حقوق مأمورین را به عده حاضر بااطلاع رئیس قشون و رئیس محاسبات قشونی پرداخت کند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 - 7124 نامه وزارت جنگ به وزارت مالیه 21 برج جدی 1333). در مواقعی که مشکلاتی از این قبیل، برای قشون کرمانشاهان به وجود می‌آمد و اقدامات و رایزنی دوایر و ادارات محل از عهده حل آن بر نمی‌آمد و یا تمایل به حل آن نداشتند، این امر در مرکز و با مذاکره بین وزارت جنگ و وزارت مالیه فیصله داده می‌شد و معمولاً نظرات وزارت جنگ نسبت به مالیه دارای

ارجحیت و برش بیشتری بود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 - 7124 نامه وزارت جنگ به وزارت مالیه 21 برج جدی).

در یک مورد که تعویق پرداخت مواجب روی داده بود و مذاکرات با اولیای امور به نتیجه نرسید «قشون ساخلو کرمانشاهان به واسطه نرسیدن مقرری خودشان به شهبندری عثمانی رفته و تحصن اختیار» کردند و کار به جایی رسید که سفیر کبیر عثمانی در ایران، برای پرداخت تمام و یا بخش عمده حقوق آنها پا درمیانی نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 - 7124، گزارش اداره تحریرات عثمانی به وزارت مالیه اول ذی حجه 1333). در این مورد و به واسطه «اهمیت کرمانشاهان» وزارت جنگ مستقیماً وارد شد، زیرا از دید وزارت جنگ «اختلال امور قشونی آنجا سزاوار» نبود و از وزارت مالیه خواست در صورت نداشتن وجهی برای پرداخت مطالبات معوقه قشون، وزارت مالیه مبلغ موردنظر را به صورت جنسی «حواله فرمایند اداره مالیه آنجا تسعیر کرده و به آنها بپردازد» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 - 7124، نامه اداره محاسبات قشونی وزارت جنگ به وزارت مالیه، 12 برج سرطان 1333). موقعیت سرحدی کرمانشاهان و نقش پراهمیت آن در جوار عثمانی، چنین امکانی برای قشون آنجا فراهم نموده بود که به خواسته خویش برسند. از این گزارش می توان به موقعیت اسفناک قشون در دریافت مواجب پی برد.

جدای از تعویق پرداخت مواجب، در هنگام پرداخت آن بین سربازان در دوره‌هایی، تبعیض قائل می شدند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 - 7124، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه، 12 سنبله 1333). در کنار این عوامل بین دریافتی افراد عادی قشون با صاحب منصبان تمایز و تفاوت آشکاری وجود داشت. درحالی که مواجب 165 نفر، 738 تومان بود که به طور متوسط دریافتی ماهیانه چهار تومان می شد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده، پرونده 240-544 گزارش مفتش مالیه به خزانه داری کل)، مواجب پنج نفر از ارکان اداره قشونی 282 تومان بود که البته بین دریافتی این عده هم تفاوت فاحشی وجود داشت. درحالی که رئیس محاسبات ماهیانه 100 تومان دریافتی داشت، شخصی با شغل طبابت 86 تومان دریافت می نمود. محاسب 46 تومان، ذخیره چی 20 تومان و مفتش 30 تومان دریافت می کردند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده، پرونده 240 - 544، حقوقات یک ماهه

برج عقرب اداره قشونی). با توجه به این گزارش روشن می‌گردد، مواجب رئیس محاسبات به تنهایی معادل 25 نفر افراد قشون بوده است.

به نظر می‌رسد یکی از مسائل و مشکلات قشون از نظر خزانه‌داری کل چگونگی پرداخت و میزان مواجب آن‌ها بود. در این میان تعداد افراد قشون و مبلغ بودجه تخصیص داده شده به آن‌ها بیش از میزان واقع برآورد و گزارش می‌گردید (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده، پرونده 240 – 544، سواد مراسله وزارت جنگ، 5 جدی 1336). تلاش‌هایی از جانب خزانه‌داری کل برای جلوگیری از این امر و نظارت بیشتر بر مبلغ حقوق پرداختی و تعداد واقعی قشون صورت گرفت. یکی از راهکارهایی که از جانب خزانه‌داری کل پیشنهاد شد همکاری اداره مالیه، رئیس قشون و حکومت محلی در این کار بود. در گزارش خزانه‌داری کل به وزارت مالیه در این ارتباط چنین آمده است: «راجع به حقوق قشونی کرمانشاهان لازم است با اداره مالیه آنجا تعلیمات بدهید که با اطلاع و استحضار رئیس قشون و حکومت عده حاضرین خدمت و مأمورین آنجا را جزواً و کلاً معلوم داشته هر قدر که متصدی خدمت دولت هستند و وجود آن‌ها ضرورت خواهد داشت» صورتی تهیه نموده و به مرکز ارسال نمایند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 – 544، گزارش اداره خزانه‌داری کل به وزارت مالیه، 8 برج ثور 1335). ترتیبی که وزارت مالیه برای پرداخت مواجب قشون در نظر داشت مورد موافقت اداره محاسبات قشونی قرار نگرفت و آن را خارج از روال معمول دانست و مدعی شد: «این ترتیب مخالف معمول مرکز و سایر ولایات است. اداره مالیه باید مطابق تصدیق رئیس قشون و رئیس محاسبات قشونی حقوق را در اداره قشونی به نفرات ساخلو پرداخته و دقت لازم و تفتیش در عده حاضری آن‌ها به عمل آورد. قدغن فرمایید اداره مالیه کرمانشاهان برخلاف معمول سایر ولایات در تأدیه حقوق مأمورین تولید اشکال ننموده و اسباب زحمت فراهم نمایند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده 240 – 544، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه، 2 برج سرطان 1335). بی‌نظمی در پرداخت مواجب قشون و حیف‌ومیل‌های آن موضوعی نبود که از دید اولیای امور پنهان بماند. این امر به‌ویژه در ولایات شدیدتر بود. دولت به‌منظور نظارت بر پرداخت مواجب قشون هرچند مدت یک‌بار شخصی را برای رسیدگی و نظارت بر مواجب نظامیان به ولایات و ایالات مأمور می‌نمود. در دوره حکمرانی عمادالدوله و در

ذی‌قعدة 1270 ق عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت که از جانب دولت مرکزی «به‌جهت تحقیق رسیدگی مواجب سرباز و سواره کرمانشاهان مأمور بود به آنجا رسیده و نواب شاهزاده عمادالدوله حکمران کرمانشاهان، تمامی سران سپاه و صاحب‌منصبان و سررشته‌داران را حاضر نموده و در این باب مشغول تحقیق و بررسی بودند تا آنچه معلوم گردد؛ به‌عرض امنای دولت علیه برسانند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه غره ذی‌قعدة 1270، شماره 182: 3). باوجوداین، در اوضاع و احوال آن دوره چنین تدابیر و راهکاری چندان جواب‌گوی مشکلات نبود. پرداخت مواجب قشون یکی از مسائل مورد مناقشه بین سربازان، وزارت جنگ و وزارت مالیه باقی ماند. از آنجاکه پرداخت مواجب قشون صورت مشخص و مرتبی نداشت این امر همواره تولید اشکال می‌نمود.

در یک مورد «سربازان مأمور ساخلو کرمانشاهان» به دلیل تعویق پرداخت مواجب، در تلگراف‌خانه تحصن نمودند. خواسته آن‌ها از طریق تلگراف به وزارت جنگ رسید. در مذاکرات و نامه‌نگاری‌هایی که بین وزارت جنگ و وزارت مالیه صورت گرفت، وزارت جنگ خواهان آن شد که هر چه زودتر به‌وسیله رئیس مالیه کرمانشاهان، مواجب آن‌ها پرداخت شود؛ چراکه اگر اقدام «عاجلی» صورت نمی‌گرفت ممکن بود «سایر طبقات نظام مأمورین هم پراکنده و رشته انتظام آن صفحات به‌کلی گسیخته» شود. بنابراین دستور داده شد «برای جلوگیری بعضی وقایع، حقوق عقب‌افتاده مأمورین را عاجلاً برسانند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، نامه وزارت جنگ به وزارت مالیه 16 برج سنبله 1332). پرداخت مواجب قشون در بیشتر مواقع با تأخیر و تعویق همراه بود، اما در این میان سعی بر آن بود که مواجب قشون برخی از ایالات و ولایات صورت منظم‌تری داشته باشد؛ کرمانشاهان یکی از این ولایات بود.

از آنجاکه کرمانشاهان در منطقه مرزی با عثمانی قرار داشت، از اهمیت زیادی برای دولت مرکزی برخوردار بود. ارکان دولت مرکزی تلاش داشتند اقداماتی را فراهم آورند که انتظام کرمانشاهان حفظ شود. یکی از این اقدامات پرداخت منظم مواجب قشون بود. در همین راستا سعی بر آن بود «حقوق مأمورین ساخلو مرتباً پرداخت و برای حکومت آنجا در حفظ انتظام آن حدود محظوراتی فراهم نشود». البته باوجود چنین توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی، در مواردی حکمرانان محلی خودسرانه دست به کاهش حقوق مقرر قشون می‌زدند. همچنان که سردار معتضد، حکمران وقت کرمانشاهان اقدام به کاهش

حقوق قشون نمود، اما پس از وی و در دوره حکمرانی امیر افخم با توصیه و سفارش وزارت جنگ سعی شد مبلغ کسر شده جبران گردد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، گزارش وزیر جنگ به وزیر مالیه مورخ 24 جمیل 1333).

روش پرداخت موجبات

نحوه پرداخت موجبات قشون به صورت متمرکز و سراسری نبود. بلکه افراد مأمور و مشغول در هر محل می‌بایست در همان ولایت موجبات آن‌ها پرداخت می‌شد. برای نمونه هنگامی که در سال 1335 ق شوکت‌الممالک در اراک مأمور و مشغول خدمت بود، به جای شاهزاده مظهدالدوله به ریاست قشون کرمانشاهان منصوب شد، مدت‌ها موجبات این دو نفر به تعویق افتاد. مظهدالدوله به این دلیل که از منصب عزل شده بود و شوکت‌الممالک به این دلیل که هنوز به کرمانشاهان وارد نشده بود.

مکاتبات زیادی بین وزارت جنگ و خزانه‌داری کل بر سر این موضوع رد و بدل شد؛ زیرا ادارات مالیه اراک و کرمانشاهان خود را از پرداخت موجبات مبرا و هر یک دیگری را مسئول پرداخت آن‌ها می‌دانستند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544-240، گزارش خزانه‌داری به وزارت مالیه 28 برج سنبله 1335). استدلال اداره مالیه اراک در نپرداختن موجبات شوکت‌الممالک بر این امر استوار بود که حقوق مأمورین یک ولایت از تاریخ انتصاب بر عهده ولایت محل مأموریت بود و بر آن بودند که شوکت‌الممالک هم از تاریخ 18 میزان 1336 ق که به ریاست قشون کرمانشاهان منصوب شده است مشمول این قاعده است (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544-240، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه 3 برج جدی 1336). در مقابل اداره مالیه کرمانشاهان از تاریخ لغو حکم مظهدالدوله از پرداخت موجبات وی امتناع نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544-240، گزارش محاسبات قشونی به وزارت مالیه 28 سنبله 1335).

پرداخت موجبات افراد قشونی به این ترتیب بود که اداره مالیه ایالت کرمانشاهان، مبلغ موردنظر را یکجا به اداره قشون تحویل می‌داد و در اداره قشونی، موجبات قشون پرداخت می‌شد. در یک مورد که رئیس مالیه کرمانشاهان پرداخت موجبات قشون را در اداره مالیه پیشنهاد کرد، مورد اعتراض اداره محاسبات قشون قرار گرفت؛ زیرا که چنین

رویه‌ای برخلاف سایر ولایات بود که حقوق آن‌ها در اداره قشونی پرداخت می‌گردید (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124 - 240، نامه اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه 23 جدی 1333).

پرداخت مواجب قشون زیر نظر هریک از ادارات مالیه و یا قشونی، صورت منظمی نداشت. گاه این پول از جانب مالیه به مصارف غیرقشونی می‌رسید و یا این‌که از حقوق افراد قشونی کسر می‌شد. در چنین مواقعی نمی‌شد از افراد قشون انتظار انتظام و انجام امور محوله را داشت. برای نمونه فوج زنگنه که «مأمور عربستان شده [بود] به واسطه نرسیدن حقوق باوجود اهمیت کار عربستان»، مدت زیادی از حرکت بدان سمت طفره رفت (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 28973 - 240، 16 جمادی‌الاول 1329).

بودجه قشون ساخلو این ولایت که در سال 1335 ق در هیئت وزرا به تصویب رسید «مبلغ 51 هزار و 684 تومان و چهار هزار دینار نقد و مقدار 899 خروار و 36 من گندم و یک هزار و 157 خروار و پنج من جو و دو هزار و 810 خروار و 50 من کاه» تعیین شد. این مبلغ شامل «حقوق و جیره و علیق و قیمت ملبوس زمستانی و صرف سوخت و غیره اداره قشونی کرمانشاهان ... از تاریخ سان قشون در محل یعنی کرمانشاهان» بود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544 - 240، نامه وزارت مالیه 19 برج سنبله 1335). حقوق نقدی و جنسی قشون کرمانشاهان می‌بایست از عایدات خود ولایت پرداخته شود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544 - 240، گزارش عمادالدوله رئیس مالیه ولایتی کرمانشاهان به وزارت مالیه 11 ربیع‌الاول 1336). از آنجاکه بیشتر عادیات کرمانشاهان به دلیل شرایط و بافت اجتماعی - اقتصادی آن، مبتنی بر دامداری و عشایری بود، در نیمه دوم سال، حکومت محلی در پرداخت مخارج دچار اشکال جدی می‌شد.

این امر در زمانی که فوج‌های کرمانشاهان مسئول و مأمور جایی در خارج از ولایت می‌شدند، بیشتر خود را نشان می‌داد؛ زیرا آن‌ها در این مأموریت‌ها می‌بایست با تجهیزات و تدارکات لازم اعزام می‌شدند. از آنجاکه وصول مالیات در کرمانشاهان در تابستان و اوایل پاییز بود، در خارج از این دو فصل، وصول مالیات یا وجهی از محل برای تجهیز آنان با مشکل روبه‌رو می‌شد. در چنین مواقعی معمولاً پیشنهاد می‌شد که از

جانب حکومت مرکزی به رئیس هر یک از فوج‌ها، وجهی به‌عنوان تنخواه پرداخت شود تا به مصرف تجهیزات و تدارک فوج برسانند و این مبلغ در وقت دیگر از آن‌ها کسر گردد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره 48 بیوتات). اداره مالیه کرمانشاهان هم در سال 1331 ق مدعی بود که «عایدات آنجا کفاف پرداخت مخارج دوایر دولتی محل را نمی‌نماید و اداره مالیه نخواهد توانست بودجه قشونی کرمانشاهان را ... برساند» راهکار و پیشنهاد آن‌ها برای تأمین بودجه دوایر دولتی و در رأس آن‌ها قشون، آن بود که قشون ساخلو آنجا به نصف تعداد موجود، کاهش یابد و در ادامه افزوده بود که در صورت پذیرش این پیشنهاد بودجه قشون را مرتباً پرداخت نماید (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544-240، گزارش اداره محاسبات کل وزارت مالیه به وزارت جنگ 24 برج سرطان 1297). در دوره‌های بی‌ثباتی و هرج‌ومرج، در مواردی قشون نه‌تنها اعاده‌کننده نظم نبود، بلکه خود نیز مزید بر بی‌ثباتی می‌شد. چنانکه روسای و مأمورین قشونی کرمانشاهان در 5 حوت 1334 ق به انبار اداره مالیه شهر رفتند و 400 خروار جنس انبار آنجا را برده و فروختند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه 5 حوت 1334). در نامه اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه تا حدودی علت این اقدام قشون مشخص می‌گردد «اداره قشونی آنجا به‌عنوان تأخیر حقوق، مقدار 400 خروار از جنس موجودی انبار شهر را جبراً از اداره مالیه برده و به قیمت خیلی نازلی به مصرف فروش رسانده بابت حقوق خود برداشت نموده‌اند.» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، گزارش اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه مورخ 20 برج حوت 1334). رسم بر آن بود در زمان‌هایی که پول نقد در ولایت نبود، خود اداره مالیه جنس را تسعیر نماید و از این طریق حقوق قشون و سایر دوایر دولتی را پرداخت کند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544-240، گزارش محاسبات قشونی به وزارت مالیه 2 برج دلو 1337). در گزارش‌های موجود تعویق و تأخیر حقوق قشون از جانب اداره مالیه مورد تأیید قرار گرفته است اما اقدام قشون در تصرف جنس‌های اداره مالیه را تخطئه نموده است (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، گزارش اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه مورخ 20 برج حوت 1334). البته این اتفاق بدون مقدمه هم‌روی نداد. در گزارشی

از ممتازالسلطنه که یکی از صاحب‌منصبان قشون بود، می‌توان به پیش‌زمینه تصرف انبار اداره مالیه از جانب قشون پی برد. این گزارش ابتدا به وضع نابسامان قشون اشاره دارد که «با نهایت فلاکت و بدبختی با حالت گرسنگی و برهنگی هفت ماه تمام روزگار به سر برده و مطابق مواعید و تلگرافات دولتی و تلگرافات خود حضرت اشرف حقوقات عقب‌افتاده آن‌ها را در ورود به مقرر حکمرانی مرحمت خواهند فرمود... باعث تحمل آن‌ها شد و از طرفی به اعتبار این مواعید از خارج قرض کرده زندگانی کردند... دو روز ایام عاشورا و تعطیلی عمومی پس‌از آن، کسالت حضرت اشرف، از طرفی عدم وصول وجوهات حواله دولت باعث آن شد که طلبکارها فشار آورده افراد نظام متحیراً راه چاره ندیده التجا به دیوان‌خانه آورده پانزده روز است متحصن و استدعای مرحمتی می‌نمایند. واقعاً حال نظام ترحم‌آمیز است، زیرا با حال پریشان در کوچه و بازار به تکدی مشغول و بلکه می‌خواهم عرض کنم که روز نیست از گرسنگی نمیرند. چنانچه عموم آقایان علما و اعیان و اشراف شهر شرحی حضور مبارک نوشته استدعای توجهی به حالت خاطر این قشون نموده‌اند». ادامه گزارش به این موضوع اشاره دارد که ادارات زیادی در شهر کرمانشاه حضور دارند و آن‌ها به هر پیاده، دوازده تومان و به سوار هجده تومان می‌دهند و یکی‌یکی افراد قشون جذب آن‌ها می‌شوند و برای «حفظ شرافت دولتی... علاجی نیست جز حقوقات عقب‌افتاده آن‌ها را از محل کنند حواله فرمایند، زیرا جنس پارسال در انبار پوسیده و هذلسنه هم روی آن می‌رود و حال قشون هم معلوم و حوادث جاریه هم روزبه‌روز زیادت‌تر می‌شود». در پایان درخواست شده است که حواله آن‌ها پرداخته شود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، نامه ممتازالسلطنه به حکمران کرمانشاهان). ظاهراً پس از رد این درخواست است که قشون با توسل به زور اجناس انبار مالیه را تصرف می‌نماید.

به نظر می‌رسد حکومت ایالتی کرمانشاهان و قشون این ایالت بیشتر به هم نزدیک بوده و در مقابل اداره مالیه ایالتی که مستقل‌تر و مجزا از این دو می‌نمود، جبهه واحدی را تشکیل می‌دادند. در جریان تصرف 400 خروار جنس از جانب قشون از انبار اداره مالیه، حکومت کرمانشاهان نیز از قشون حمایت نمود و حتی قبل از تصرف انبار از جانب قشون، حکومت کرمانشاهان از طریق نامه‌نگاری و گفتگو سعی نمود اداره مالیه را به فروش 400 خروار جنس انبار مالیه راضی نماید که از فروش آن حقوق معوقه قشون

را پرداخت نماید. البته قبل از این رویداد، 200 خروار جنس انبار مالیه به توصیه حکومت کرمانشاهان فروخته شده بود و پول حاصل از آن به قشون پرداخت گردیده بود. در این نوبت نیز حکومت کرمانشاهان پیش‌قدم پیشنهاد و درخواست فروش 400 خروار جنس انبار مالیه بود و «اکیداً تقاضا کرده ... که چهارصد خروار دیگر از جنس موجودی انبار را ... فروخته و در وجه حقوق عقب‌افتاده قشونی» پرداخت گردد. در همین راستا حکمی نیز صادر شد و مأمور برای اجرای آن به اداره مالیه رفت. پس از آن که وی بدون نتیجه مراجعت نمود، افراد قشون برای وادار کردن مأموران اداره مالیه به این اداره آمدند و تا نزدیک غروب تلاش آن‌ها با وجود ورود به اداره مالیه به‌جایی نرسید تا این که در غروب آفتاب «مأمور حکومت حاضر شده و اظهار داشت که هرگاه حواله جنس را نمی‌دهید باید در دیوان‌خانه حاضر شده و توقیف شوید» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124-240، گزارش میرزا صادق خان رئیس مالیه ایالتی کرمانشاهان به وزارت مالیه، 11 رجب 1334). بخشی از بی‌نظمی قشون، مأمورین رده بالای اداری و نظامی دولت بودند که از راه‌های مختلف و به بهانه‌های گوناگون، مبالغی را به اسم مواجب و هزینه قشون دریافت می‌داشتند و در عمل یا چیزی از آن به دست سربازان نمی‌رسید و یا این که مبالغ ناچیزی از آن را دریافت می‌نمودند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544-240، سواد مراسله وزارت جنگ 5 جدی 1336). گزارش موجود بیانگر آن است که کارایی قشون در مواقع بحرانی، در مقایسه با هزینه‌ها و مخارجی که برای دولت در پی داشت، چندان مفید و کارآمد نبوده است و کمتر تناسبی بین کارکرد و مخارج آن وجود داشت (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 2543-240، گزارش عمادالدوله رئیس مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه 26 ربیع‌الثانی 1336).

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که:

- 1- پرداخت مواجب قشون اصول و قاعده منظم و یکدستی در کل ایران نداشت و نحوه پرداخت مواجب سپاهیان از یک ایالت به ایالت دیگر متفاوت بود؛ این امر نتیجه منشأ نیروهای نظامی بود. نیروهای که وابسته به ایلات و عشایر بودند،

- به صورت ناقص راحت تر موجب خویش را دریافت می کردند؛ زیرا رئیس ایل بخشی از مالیات مقرر را به عنوان موجب قشون نگه می داشت و از این بابت نسبت به نیروهای نظامی که منشأ شهری داشتند؛ دارای امتیاز بودند.
- 2- تعلیق، تأخیر و تفاوت در مبلغ پرداختی افراد قشون جزء جدایی ناپذیر موجب این دوره بود.
- 3- با وجودی که مبلغ پرداختی موجب آن قدر نبود که افراد را داوطلبانه وارد نیروی نظامی کند، اما وابستگی ایلی و سیادت روسای ایل، افراد وابسته به ایل را وارد قشون می کرد.
- 4- در شرایط ناپایدار سیاسی موجب قشون بهانه ای بود در دست روسای ایل که از پرداخت مالیات مقرر برای چند سال پیاپی امتناع می کردند و یا این که به بهانه تعلیق و تأخیر موجب به ادارات مالیه محل هجوم برده و در صورت نبودن وجه نقد اجناس آنجا را تسعیر¹ کرده و به جای موجب خویش برمی داشتند.

1- قرار دادن نرخ برای چیزی

منابع

- تورنتن، لین (1374). تصاویری از ایران (سفر کلنل ف. کلمباری به دربار شاه ایران) 1249 تا 1265 هجری قمری، ترجمه مینا نوایی، با مقدمه و زیر نظر علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (1380)، تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج 1، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- سنجایی سردار مقتدر (1380)، ایل سنجایی و مجاهدات ملی ایران، تحریر و تحشیه کریم سنجایی، تهران. انتشارات شیرازه.
- سنجایی شکرالله (فخرالکتاب) (1366)، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تصحیح حواشی و تعلیقات به‌انضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد از حشمت‌الله طیبی. تهران. امیرکبیر.
- فلاندن، اوژن (2536)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، چاپ سوم، تهران، اشراقی.
- گاردان، آلفردو (1362)، مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال، چ دوم، تهران: نگاه.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی خان (1361)، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی، باب اول خاطرات، به کوشش معصومه نظام مافی. منصوره اتحادیه (نظام مافی). سیروس سعدوندیان، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران.

اسناد

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 7124 - 240.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 544 - 240.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 28973 - 240.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره 2543 - 240.

آلبوم بیوتات

- آلبوم شماره 48 بیوتات.
- آلبوم شماره 23 بیوتات.

روزنامه

- روزنامه فرهنگ، 30 ذی القعدة سال 1302، سال هفتم، شماره 324.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه غره ذی قعدة 1270، شماره 182.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه هشتم رجب 1270، شماره 166.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه 26 جمادی الثانی 1271، شماره 215.